گفت‌وگو

سیدافقهی، کارشناس مسائل غرب‌آسیا در گفت‌وگو با «فرهیختگان»:

## تغییر گفتار بن‌سلمان در قبال ایران ناشی از مجاهدت میدان است

**سیدهادی سیدافقهی، کارشناس و پژوهشگر مسائل بین‌الملل و غرب آسیا در گفت‌وگو با «فرهیختگان» به بررسی دلایل تغییر گفتار محمد بن‌سلمان نسبت به ایران و نقش «میدان» در این تحول پرداخت که در ادامه از نظر می‌گذرد.**

**تحلیل شما از دلایل تغییر لحن و گفتار بن‌سلمان نسبت به ایران و انجام مذاکرات در بغداد چیست و این تغییر بر چه اساسی شکل گرفته است؟**

این اولین بار نیست که سعودی‌ها چه از زبان وزیر خارجه و پادشاه خود یا ولیعهدشان محمد بن‌سلمان موضع‌گیری دوپهلو دارند، اخیرا بن‌سلمان در یک مصاحبه جنجالی این سخنان را مطرح کرد و بخشی از آن نیز مربوط به رابطه با ایران بود که او کاملا دوپهلو صحبت کرد و در عین تغییر لحن، نیش‌های خود را نیز به ایران وارد کرد؛ درست است که او گفت ما باید به دولت ایران احترام بگذاریم و خواهان روابط خوب هستیم، اما این سخنان درحالی است که سعودی اقدامات منفی خود در منطقه را به ایران نسبت می‌دهد. عربستان بحث قدرت موشکی ایران را مطرح می‌کند و مدعی است که این موضوع عربستان را نگران کرده است، درحالی‌که خود عربستان سعودی ۴۸۰ میلیارد دلار به ترامپ پول داد و ۱۱۰ میلیارد آن فقط تسلیحات است که به یکی از بزرگ‌ترین خریدهای تسلیحاتی قرن معروف شد.

بنابراین چطور موشک‌هایی را که ایران با وجود تهدیدهایی که متوجه جمهوری اسلامی است صرفا برای دفاع و بازدارندگی تولید کرده است نمی‌توانید تحمل کنید، درحالی‌که باید قدرت و توان بازدارندگی و دفاعی خود را درمقابل پایگاه‌های نظامی که عربستان در اختیار آمریکا گذاشته است افزایش دهد.

مساله وقیح‌تر در سخنان بن‌سلمان این است که مدعی شد ایران در منطقه دخالت نکند و دست از شرارت بردارد، مساله اینجاست که آیا ایران مردم یمن را می‌کشد یا عربستان؟ درحال حاضر ۶ سال است که مردم یمن توسط عربستان سعودی قتل‌عام می‌شوند.

از سوی دیگر آنها مدعی‌اند که مساله هسته‌ای ایران ما را نگران کرده است، عربستان حقی ندارد که بخواهد درباره قدرت هسته‌ای ایران اظهارنظر کند درحالی‌که خود این کشور به صورت زیرمیزی با آمریکا و رژیم‌صهیونیستی قراردادهای هسته‌ای امضا کرده است و می‌خواهند توسط آنها در کشور خود نیروگاه بزنند. البته این اظهارات درحالی است که فعالیت هسته‌ای ایران مستقیما زیر نظر آژانس بین‌المللی قرار دارد و بیش از ده‌ها بار اعلام شده که ایران از توافق هسته‌ای تخطی نکرده است.

**شکست‌های میدانی عربستان چقدر در عقب‌نشینی اخیر موثر است؟**

یکی از دلایلی که آنها مواضع را به صورت دوپهلو بیان می‌کنند این است که عربستان درحال شکست خوردن است و در سوریه، لبنان و عراق که داعش را مورد حمایت قرار داد، متحمل شکست شده است.

آنها در یمن بیش از ۶ سال است که ضربات مهلکی از سوی انصارالله و موشکی و پهپادی این کشور دریافت کرده‌اند و یمن به صورت مرتب آرامکو، فرودگاه‌های سعودی و پایگاه‌های این کشور را مورد هدف قرار می‌دهد؛ درحال حاضر نیز در آستانه آزادسازی مأرب هستند. در این شرایط عربستان سعودی ادعا می‌کند که می‌خواهد با ایران آشتی کند؛ البته شکافی تقریبا ترمیم‌ناپذیر را بین دو کشور ایجاد کرده بود. با روی کار آمدن دونالد ترامپ در آمریکا و حمایت‌های نامحدود او، عربستان از عربستان، سعودی‌ها همسو با آمریکا، رفتارهای تهاجمی‌تری را در دستورکار قرار دادند تا درکنار کارزار فشار حداکثری، تهران ناچار به تسلیم دربرابر خواسته‌های آمریکا و متحدان منطقه‌ای آن شود. این اتفاق رخ نداد و نه‌تنها تهران حاضر به عقب‌نشینی نشد که در صحنه منطقه نیز جبهه غربی و متحدانش هیچ ابزار مضاعفی را به‌دست نیاوردند تا اینکه یمن از تغییر دولت در آمریکا و پایان فصل خدمات ویژه واشنگتن به بن سلمان، اوضاع تغییر کرد، تا جایی که ولیعهد سعودی که روزگاری آرزوی کشاندن جنگ به داخل ایران را داشت، در یک مصاحبه تلویزیونی با لحنی «مسالمت‌جویانه» درباره ایران بگوید: «ایران کشور همسایه ماست و تمام آن چیزی که ما خواهان آن هستیم داشتن روابط خوب و خاص با ایران است»، صرف‌نظر از اینکه مذاکرات با عربستان سعودی به چه نتیجه‌ای منتهی بشود، درک چنین چرخش معناداری آن‌هم دربرابر ایران حائز اهمیت است. بخشی از پاسخ به این سوال را می‌توان در گفت‌وگوی اخیری که از محمدجواد ظریف وزیر امور خارجه به رسانه‌های غربی در گرد، یافت. ظریف تعریف کرده که پس از گفت‌وگو با سردار سلیمانی برای حل اختلافات با عربستان سعودی و پس از تماسی واسطه‌ها، ظریف در حاشیه مجمع عمومی سازمان ملل با سعود الفیصل، وزیر خارجه عربستان گفت‌وگو می‌کند و پیشنهاد مذاکره به او در پنج محور که یکی از آنها یمن بود را می‌دهد و او هم اعلام آمادگی می‌کند، اما خبری نمی‌شود. ظریف در پاسخ به اینکه چرا موافقت نکرد؟ می‌گوید: «به‌خاطر اینکه احساس می‌کردند در منطقه دست پایین را دارند و می‌خواستند دست بالا را پیدا کنند.» آن‌طور که ظریف تعریف کرده، به دلیل تلقیه سردار سلیمانی برای پایان دادن به جنگ یمن، او در مذاکرات لوزان ۲ روز با جان کری برای آتش‌بس رایزنی می‌کند. کری به واشنگتن می‌رود تا با عادل الجبیر که در آن زمان سفیر عربستان در آمریکا بود گفت‌وگو کند و پیام تهران را به رسانه بدهد. پس از بازگشت جبیر به آمریکا، جان کری به جواد ظریف خبر توافق آتش‌بس را می‌دهد. ساعاتی بعد که ظریف به اندونزی سفر می‌کند، در جلسه‌ای به تیم سعودی می‌گوید جنگ تمام شده، اما طرف سعودی آن را تکذیب می‌کند. ظریف تعریف می‌کند که به جان کری زنگ می‌زند: «گفتم چه شد؟ [جان کری] گفت بن‌سلمان زده زیرش و به جبیر گفته ما ۳ هفته دیگر جنگ را می‌بریم. من گفتم اینها ۳ سال دیگر هم این جنگ را نمی‌برند، ۰ سعودی‌ها جنگ یمن را در شرایطی آغاز کردند که پیش از ورود به این باتلاق بی‌انتها، ریاض به‌عنوان یکی از برجسته‌ترین بازیگران سوریه بود، اما با حمله به یمن، آنها به ناگاه از این پرونده کنار گذاشته شدند. محور مقاومت در سال ۲۰۱۵ وارد یمن شد و سعودی‌ها به جنگ یمن، ریاض را در این جبهه درگیر ساخت و درست در همان سال این محور موفق شد تا روسیه را راضی به ورود نظامی به تحولات سوریه کند. این هوشمندی سران محور مقاومت سبب شد با اخراج بازیگران متعدد منطقه‌ای و بین‌المللی وزن جبهه غربی در تحولات سوریه به‌شدت کم‌رنگ شود و در سوی دیگر با ورود روسیه به این کشور، وزن جبهه شرق افزایش یابد. همین مساله موجب شد دیگر نشست‌های بین‌المللی با حضور بیش از ۴۰ کشور که دیپلمات‌های ایرانی راهی به آنها نداشتند تبدیل به مذاکرات آستانه با حضور ایران، ترکیه و روسیه شود.

سیدمهدی طالبی
روزنامه‌نگار

خبر ۲۹ فروردین‌ماه روزنامه برتانیایی فا ننشنال تا یمز درباره «گفت‌وگوهای مستقیم» ایران و عربستان در بغداد، عجیب‌تر از آن بود که بتوان آن را باور کرد. یک‌روز بعد سعید خطیب‌زاده، سخنگوی وزارت امور خارجه در نشست خبری خود با خبرنگاران، حاضر به تکذیب این خبر نشد تا تلویحا صحت این خبر را تایید کرده باشد. تحولات بیداری در منطقه و تقابل تهران و ریاض در سوریه و یمن و همچنین قطع روابط دیپلماتیک بین دو کشور، شکافی تقریبا ترمیم‌ناپذیر را بین دو کشور ایجاد کرده بود. با روی کار آمدن دونالد ترامپ در آمریکا و حمایت‌های نامحدود واشنگتن از عربستان، سعودی‌ها همسو با آمریکا، رفتارهای تهاجمی‌تری را در دستورکار قرار دادند تا درکنار کارزار فشار حداکثری، تهران ناچار به تسلیم دربرابر خواسته‌های آمریکا و متحدان منطقه‌ای آن شود. این اتفاق رخ نداد و نه‌تنها تهران حاضر به عقب‌نشینی نشد که در صحنه منطقه نیز جبهه غربی و متحدانش هیچ ابزار مضاعفی را به‌دست نیاوردند تا اینکه یمن از تغییر دولت در آمریکا و پایان فصل خدمات ویژه واشنگتن به بن سلمان، اوضاع تغییر کرد، تا جایی که ولیعهد سعودی که روزگاری آرزوی کشاندن جنگ به داخل ایران را داشت، در یک مصاحبه تلویزیونی با لحنی «مسالمت‌جویانه» درباره ایران بگوید: «ایران کشور همسایه ماست و تمام آن چیزی که ما خواهان آن هستیم داشتن روابط خوب و خاص با ایران است»، صرف‌نظر از اینکه مذاکرات با عربستان سعودی به چه نتیجه‌ای منتهی بشود، درک چنین چرخش معناداری آن‌هم دربرابر ایران حائز اهمیت است. بخشی از پاسخ به این سوال را می‌توان در گفت‌وگوی اخیری که از محمدجواد ظریف وزیر امور خارجه به رسانه‌های غربی در گرد، یافت. ظریف تعریف کرده که پس از گفت‌وگو با سردار سلیمانی برای حل اختلافات با عربستان سعودی و پس از تماسی واسطه‌ها، ظریف در حاشیه مجمع عمومی سازمان ملل با سعود الفیصل، وزیر خارجه عربستان گفت‌وگو می‌کند و پیشنهاد مذاکره به او در پنج محور که یکی از آنها یمن بود را می‌دهد و او هم اعلام آمادگی می‌کند، اما خبری نمی‌شود. ظریف در پاسخ به اینکه چرا موافقت نکرد؟ می‌گوید: «به‌خاطر اینکه احساس می‌کردند در منطقه دست پایین را دارند و می‌خواستند دست بالا را پیدا کنند.» آن‌طور که ظریف تعریف کرده، به دلیل تلقیه سردار سلیمانی برای پایان دادن به جنگ یمن، او در مذاکرات لوزان ۲ روز با جان کری برای آتش‌بس رایزنی می‌کند. کری به واشنگتن می‌رود تا با عادل الجبیر که در آن زمان سفیر عربستان در آمریکا بود گفت‌وگو کند و پیام تهران را به رسانه بدهد. پس از بازگشت جبیر به آمریکا، جان کری به جواد ظریف خبر توافق آتش‌بس را می‌دهد. ساعاتی بعد که ظریف به اندونزی سفر می‌کند، در جلسه‌ای به تیم سعودی می‌گوید جنگ تمام شده، اما طرف سعودی آن را تکذیب می‌کند. ظریف تعریف می‌کند که به جان کری زنگ می‌زند: «گفتم چه شد؟ [جان کری] گفت بن‌سلمان زده زیرش و به جبیر گفته ما ۳ هفته دیگر جنگ را می‌بریم. من گفتم اینها ۳ سال دیگر هم این جنگ را نمی‌برند.» سعودی‌ها جنگ یمن را در شرایطی آغاز کردند که پیش از ورود به این باتلاق بی‌انتها، ریاض به‌عنوان یکی از

> رهبر ائتلاف «طوفان قاطعیت»، پس از ۷سال ناکامی در منطقه و عدم امتیازگیری، حالا از بهبود روابط با تهران سخن می‌گوید. هزینه‌های چندمیلیاردی آنها در سوریه نتیجه نداد و برخلاف تصور، ایران توانست متحدش را حفظ کند. در یمن نیز سعودی‌ها و ائتلاف مجهزشان بدون دستاورد همچنان مشغول جنگ فرسایشی هستند. در عراق و لبنان نیز آنها نیز نتوانسته‌اند نقشه‌های‌شان را عملیاتی کنند. به‌عبارت سادەتر، سعودی‌ها در میدان هیچ دستاوردی کسب نکردند تا با آن بتوانند یک امتیازی کسب کنند

نیز سعودی‌ها و ائتلاف مجهزشان بدون دستاورد همچنان مشغول جنگ فرسایشی هستند. در عراق و لبنان نیز آنها نتوانسته‌اند نقشه‌های‌شان را عملیاتی کنند. به‌عبارت سادەتر، سعودی‌ها در میدان هیچ دستاوردی کسب نکردند تا با آن بتوانند تبدیل به یک کشور، وزن جبهه شرق افزایش یابد. همین مساله موجب شد دیگر نشست‌های بین‌المللی با حضور بیش از ۴۰ کشور که دیپلمات‌های ایرانی راهی به آنها نداشتند تبدیل به مذاکرات آستانه با حضور ایران، ترکیه و روسیه شود.

بن‌سلمان بعد از تغییر موازنه جنگ در یمن و تحمل ضربات پیاپی خواهان روابط دیپلماتیک بهتر با ایران شد

# بازنده میدان

**تغییر گفتار بن‌سلمان در قبال ایران ناشی از مجاهدت میدان است**

**این عقب‌نشینی و سعی کردن سعودی برای نزدیک شدن به ایران درواقع ناشی از همین مجاهدت‌های میدان است؟**

بله، قطعا همین‌طور است، هرچند یمن ارتباط مستقیمی با ایران ندارد و آنها می‌خواهند به نوعی این موضوع را به ایران مرتبط کنند. بن‌سلمان در مصاحبه اخیر خود از جریان حوثی‌ها تعریف کرد و آنها را عرب و یمنی اصیل نامید. درحالی‌که عربستان همواره آنها را ایرانی، شیعه و مجوس لقب می‌داد؛ چگونه یک‌شبه این موضع تغییر کرده است؟ درست است، آنها قطعا یمنی‌های اصیل هستند اما این عربستان بود که منکر این قضیه می‌شد و مدعی بود که ایران در یمن حکومت می‌کند و جنگ را در این کشور پیش می‌برد. به‌عنوان جمع‌بندی باید بگویم که شکست‌های میدانی بی‌دریی و ضربات پهپادی و موشکی توسط انصارالله علیه عربستان که امنیت آسمان عربستان سعودی را مختل کرده است، سبب شده آنها به تعریف و تمجید روی بیاورند، البته به نظر می‌رسد این موضوع عملیات فریب است؛ چراکه آنها به انصارالله پیشنهاد آتش‌بس دادند، اما در صحنه عمل در همان شبی که باید آتش‌بس رعایت شود، سعودی‌ها بسیاری از مناطق مسکونی در یمن ازجمله پایتخت این کشور صنعا را بمباران کردند. البته مردم یمن فریب شعارهای کاذب و منافقانه رژیم سعودی درباره آتش‌بس را نمی‌خورند.

**با توجه به سیاست یادبن، وضعیت ادامه جنگ یمن چگونه خواهد بود؟**

دولت آمریکا نمی‌خواهد جنگ یمن پیروز داشته باشد و ترجیح می‌دهد وضعیت در حالت نه جنگ و نه صلح باقی بماند تا آمریکا به منافع خود برسد و برهمین اساس آنها چند پیشنهاد فریبنده به حوثی‌ها دادند، اما انصارالله متوجه فریب آمریکا شد و نپذیرفت؛ نماینده سازمان ملل در پرونده یمن نیز انصارالله و ایران را تحریک کردند تا ابتدا جنگ متوقف شود و سپس پای میز مذاکره بنشینند، درحالی‌که انصارالله و مردم یمن کماکان زیر بمباران سعودی و آمریکا بودند و این پیشنهاد بسیار عجیب بود، بنابراین آمریکا نمی‌خواهد مساله جنگ یمن به نفع انصارالله به پایان برسد.

ادامه در صفحه ۷



ادامه از صفحه ۲

## «میدان» میدان‌داری می‌کند

تغییرات میدانی در یمن چیزی نیست که از چشم‌های گذاشته‌شده طی چند دهه می‌توانند ابعاد این تغییر را بهتر در اذهان بنشاند. پایه‌گذاری نیروهای مقاومت یمن به زمانی بازمی‌گردد که رهبر اولیه آنها «سیدحسین بدرالدین‌الحوثی» پس از انقلاب اسلامی به ایران آمد و تحصیلاتش را در حوزه علمیه قم پی گرفت و بلافاصله پس از بازگشت به کشورش دست به حرکات فرهنگی زد. او اقداماتش را از سال ۱۹۸۶ به شکل فرهنگی پی گرفت و تا تابستان سال ۲۰۰۴ آن را ادامه داد. «شباب المومنین» هسته اصلی حرکت‌های فرهنگی‌ای بود که سعی می‌کرد با برگزاری کلاس‌های فرهنگی، دینی و تربیتی، جوانان و شیعیان زیدی یمن را توانمند سازد. به‌عنوان مثال برخی دوره‌های آموزشی این گروه در تابستان پس از تعطیلی مدارس آغاز می‌شد و در آن دانش‌آموزان انواع کلاس‌ها مانند تماشای فیلم‌های سینمایی را می‌گذراندند. تحول مهمی که در این زمان اتفاق افتاد اشغال افغانستان در سال ۲۰۰۱ و به‌خصوص اشغال عراق در سال ۲۰۰۳ توسط آمریکا بود. جوانان تربیت‌شده در شباب‌المومنین به‌همراه دیگر شیعیان زیدی اعتراضاتی را علیه اقدامات آمریکا آغاز کرده و با برگزاری تظاهرات‌های ضدآمریکایی و ضدصهیونیستی بر دفاع از سرزمین‌های اسلامی تاکید کردند. حکومت وقت یمن براساس مصالح خود و واشنگتن این حرکت را سرکوب کرد و در سال ۲۰۰۴ با حمله به صعده، صدها طرفدار سیدحسین بدرالدین‌الحوثی را به‌همراه خود وی به شهادت رساند. از این پس بود که درگیری‌های مسلحانه آغاز شد. اندازه این درگیری‌ها بسیار کوچک بودند به‌گونه‌ای که نیروهای مقاومت یمن در بهار سال ۲۰۰۶ طی حمله به یک پایگاه دولت با کشتن ۶تن از نیروهای دولت وقت موفق شدند این پایگاه را به کنترل خود درآورند. پس از آن رفته‌رفته بر قدرت نیروهای مقاومت یمن افزوده شد تا جایی که ۶جنگ بی‌دریی به آنها تحمیل شد. آخرین جنگ پیش از تحولات جهان عرب در سال ۲۰۱۱، ششمین جنگ صعده موسوم به عملیات زمین سوخته بود که در سال ۲۰۰۹ آغاز شد و در سال ۲۰۱۰ نیز به پایان رسید. این درگیری‌ها نیز به‌ظاهر به استان صعده در شمال یمن محدود می‌شد، گرچه به‌دلیل دخالت عربستان در جنگ نیروهای مقاومت یمن آغاز شد و به یک جنگ مشابه تبدیل شد. تحولات عربی که از سال ۲۰۱۱ آغاز شدند با درهم کوبیدن قدرت دولت یمن و در میانه اغتشاش در ریاض موجب شد در سال ۲۰۱۴ نیروهای مقاومت یمن با در دست گرفتن جریان اعتراضات وارد صنعا پایتخت شده و کنترل نهادهای دولتی را در دست بگیرند. کمتر از یک‌سال بعد و با فرار عبدربه منصورهادی، رئیس‌جمهور مستعفی یمن از صنعا، سعودی‌ها با این ایده که می‌توانند ۳هفته‌ای وارد صنعا شوند، جنگ یمن را در سال ۲۰۱۵ آغاز کردند. مشتعل شدن این جنگ باعث شد نیروهای مقاومت یمن به‌سرعت استان‌هایی مانند الحدیده، رمار و المحویت را در اختیار گرفته و حتی در مقاطع ابتدایی جنگ بتوانند وارد عدن، پایتخت رئیس‌جمهوری مستعفی یمن شوند. با این حال جبهه‌های جنگ پس از مدتی تثبیت شدند و استان‌های شمالی و تا حدی استان‌های مرکزی یمن در دستان مقاومت یمن قرار گرفتند. با وجود گذشت ۷سال از آغاز جنگ توسط سعودی‌ها، مقاومت یمن در سال ۲۰۲۱ ضمن دراختیار گرفتن تمامی استان‌های مرکزی یمن درحال پاکسازی استان مهم مأرب است. با سقوط این استان، تقریبا از لحاظ نظامی بسیاری از مناطق یمن نیز سقوط کرده به حساب خواهند آمد و استان‌های شرقی و جنوبی یمن به‌سمت نیروهای مقاومت گشوده خواهد شد. پاکسازی این استان باعث می‌شود مرکز اصلی طرفداران دولت مستعفی منصورهادی از دست او خارج شده و مسیر مواصلاتی شمال به جنوب یمن برای تدارکات‌رسانی به شورشیان جنوب قطع شود. همچنین نیروهای مقاومت یمن از طریق آزادسازی مأرب راهی به‌سوی سواحل گسترده یمن در جنوب این کشور خواهند گشود که در مجاورت اقیانوس هند قرار دارد. با این اقدام تقریبا محاصره یمن نیز عملا شکسته خواهد شد.

با تصرف مأرب، عملا شیرازه کار از دست سعودی‌ها خارج خواهد شد و آنها ناچار خواهند شد از موضع ضعف در مذاکرات حاضر شوند. بر همین اساس شاهگاه سه‌شنبه ائتلاف سعودی، استان‌های مأرب و الجوف را در یمن هدف حملات جنگنده‌های خود قرار داد. به گزارش المسیره، مناطق مختلف شهرستان صرواح در استان مارب در ۱۷ نوبت بمباران شد. در استان الجوف نیز منطقه اقشع در استان دراختیار گرفته و حتی در مقاطع ابتدایی جنگ بتوانند وارد عدن، پایتخت رئیس‌جمهوری مستعفی یمن شوند. با این حال جبهه‌های جنگ پس از مدتی تثبیت شدند و استان‌های شمالی و تا حدی استان‌های مرکزی یمن در دستان مقاومت یمن قرار گرفتند. با وجود گذشت ۷سال از آغاز جنگ توسط سعودی‌ها، مقاومت یمن در سال ۲۰۲۱ ضمن دراختیار گرفتن تمامی استان‌های مرکزی یمن درحال پاکسازی استان مهم مأرب است. با سقوط این استان، تقریبا از لحاظ نظامی بسیاری از مناطق یمن نیز سقوط کرده به حساب خواهند آمد و استان‌های شرقی و جنوبی یمن به‌سمت نیروهای مقاومت گشوده خواهد شد. پاکسازی این استان باعث می‌شود مرکز اصلی طرفداران دولت مستعفی منصورهادی از دست او خارج شده و مسیر مواصلاتی شمال به جنوب یمن برای تدارکات‌رسانی به شورشیان جنوب قطع شود. همچنین نیروهای مقاومت یمن از طریق آزادسازی دارای چنین شبکه‌ای است اما کشوری مانند عربستان که درگیر جنگ با یمن است باید هزینه زیادی به آمریکا برای پایش مناطق تحت کنترل دولت یمن توسط ماهواره‌های آمریکا پرداخت کند. باید گفت این اقدام نیز صورت گرفته اما شبکه ماهواره‌ای آمریکا با دهها میلیارد دلار ماهواره و دهها مرکز تحلیل داده و هزاران کارشناس از تشخیص زمان و مکان پرتاب پهپادهای یمن تا حد زیادی درمانده شده‌اند. ضمن آنکه اگر بتوانند در موارد بی‌شمار تشخیص درست بزنند، این مساله انرژیها به معنای توانایی سامانه‌های پدافند هوایی برای ساقط کردن اهداف مهاجم نخواهد بود، زیرا پهپادها قابلیت تغییر مسیر دارند و نمی‌توان مسیر آن را پیش‌بینی کرد. در اینجا ویژگی دیگری نیز به کمک پهپادهای یمنی می‌آید و آن سبک و کوچک بودن این پهپادها است. به همین دلیل شناسایی نمی‌شوند و اگر گاهی مورد شناسایی قرار گیرند به‌دلیل ابعاد کوچک رهگیری آنها بسیار طاقت‌فرسا خواهد بود. این سبکی و کوچکی که با سادگی در طراحی و ساخت همراه است، باعث شده قیمت این پهپادها بسیار پایین تمام شود و همین موضوع است که یمن تحت‌محاصره را قادر کرده در تحریم و مسدود بودن مرزها بتواند با تولید انبوه پهپاد به‌صورت روزانه با چندین فروند از آنها تاسیسات مهم سعودی را مورد حمله قرار دهد.

سبکی، کوچکی و ارزانی باعث شده است در شرایطی که آسمان یمن تحت کنترل جنگنده‌ها و پهپادهای شناسایی سعودی است، پهپادهای یمنی با مشکل زیادی در انتقال روبه‌رو نباشد و بتوان آنها را به‌سرعت از نقطه‌ای به نقطه دیگر منتقل کرد. مراکز ساخت این پهپادهای ساده نیز کارخانه‌های بزرگی نیستند که قابل شناسایی و حمله باشند، بلکه می‌توان آنها را در اماکنی در ابعاد کوچک ساخته و انبار کرد. به همین دلیل است که ارتش عربستان با وجود تلاش‌هایش موفق به نابودی توان پهپادی یمن نشده است. سعودی‌ها برای پهپادهای ارتش یمن ارزشی بی‌سابقه به محور مقاومت بخشیده‌اند. این پهپادهای تهاجمی- انتحاری دارای چندین شاخصه هستند که به‌صورت جداگانه یا کنار هم باعث برهم‌زدن موازنه قوای منطقه‌ای شده‌اند. این پهپادها نقطه‌زن هستند و می‌توانند اهداف حساس و ارزشمندی را به‌دقت مورد اصابت قرار دهند. در جریان حمله ۲۰۱۹ به تاسیسات آرامکو و همچنین حمله موشک کروز یمنی به مخزن ذخیره نفت در بندر جده، این مساله به‌خوبی نشان داده شد، چنانکه برد بالای این پهپادها را نیز نمایان کرد. درحال‌حاضر حداکثر برد پهپادهای انتحاری یمن دوهزار و ۵۰۰ کیلومتر است. موضوع دیگر کوچکی این پهپادهاست، به‌گونه‌ای که رهگیری این سلاح را برای دشمن بسیار سخت می‌کند. دشمن اگر دارای شبکه پیشرفته‌ای در حوزه دفاع هوایی باشد، مانند شبکه پدافندی آمریکا باید به‌صورت ترکیبی و با استفاده از سه‌مرحله «ماهواره»، «رادار» و «جنگنده‌های ارتقایافته برای مقابله با اهداف ارتفاع پست» دست به شناسایی و مقابله با پهپاد یا موشک کروز بزنند. در این حالت باید تعدادی از ماهواره‌ها به‌صورت هماهنگ محدوده وسیعی را زیرنظر بگیرند و همیشه درحال ارزیابی تغییر سطحی روی زمین باشند تا درصورت تغییر بتوانند با بررسی آن متوجه شلیک موشک یا پهپاد شوند. اگر کشوری بخواهد چنین شبکه‌ای از ماهواره‌ها ایجاد کند باید دست به سرمایه‌گذاری سنگینی زده و مبالغ کلانی را صرف ساخت و پرتاب ماهواره‌ها کرده و بودجه‌ای برای جایگزینی این ماهواره‌ها در بازه‌های زمانی آتی تدارک ببیند و همچنین مراکز تحلیل داده به‌پیشرفته‌ای با تجهیزات به‌روز و کارشناسانی خبره روی زمین ایجاد کند. آمریکا دارای چنین شبکه‌ای است اما کشوری مانند عربستان که درگیر جنگ با یمن است باید هزینه زیادی به آمریکا برای پایش مناطق تحت کنترل دولت یمن توسط ماهواره‌های آمریکا پرداخت کند. باید گفت این اقدام نیز صورت گرفته اما شبکه ماهواره‌ای آمریکا با دهها میلیارد دلار ماهواره و دهها مرکز تحلیل داده و هزاران کارشناس از تشخیص زمان و مکان پرتاب پهپادهای یمن تا حد زیادی درمانده شده‌اند. ضمن آنکه اگر بتوانند در مواردی به تشخیص درست برسند، این مساله انرژیها به معنای توانایی سامانه‌های پدافند هوایی برای ساقط کردن اهداف مهاجم نخواهد بود، زیرا پهپادها قابلیت تغییر مسیر دارند و نمی‌توان مسیر آن را پیش‌بینی کرد. در اینجا ویژگی دیگری نیز به کمک پهپادهای یمنی می‌آید و آن سبک و کوچک بودن این پهپادها است. به همین دلیل شناسایی نمی‌شوند و اگر گاهی مورد شناسایی قرار گیرند به‌دلیل ابعاد کوچک رهگیری آنها بسیار طاقت‌فرسا خواهد بود. این سبکی و کوچکی که با سادگی در طراحی و ساخت همراه است، باعث شده قیمت این پهپادها بسیار پایین تمام شود و همین موضوع است که یمن تحت‌محاصره را قادر کرده در تحریم و مسدود بودن مرزها بتواند با تولید انبوه پهپاد به‌صورت روزانه با چندین فروند از آنها تاسیسات مهم سعودی را مورد حمله قرار دهد.

## مذاکره با فناوری پهپادها

مقابله با حملات پهپادی و موشک‌های کروز یمن تعداد زیادی رادار خریداری کرده و سامانه‌هایی را نیز همراه با کادر آموزش‌دیده از کشورهایی مثل یونان به‌خدمت گرفته‌اند. با این‌حال پرواز پهپادها در ارتفاع نزدیک به سطح زمین و عبور از شیارهای کوهستانی این رادارها را ناکارآمد ساخته اما ریاض همچنان برای آنکه احساس امنیت کاذبی به‌دست آورد، همچنان خواهان استقرار این رادارها در خاک خود است، زیرا با وجود شرایط سخت نظامی تا اندازه‌ای حضور این سامانه‌ها موجب قوت قلب سعودی‌هاست. از سوی دیگر آنها به سامانه‌های راداری و پدافندی برای چندلایه‌سازی دفاع هوایی خود نیازمندند. با این حال ناکارآمدی سامانه‌های پدافندی مستقر روی زمین سعودی‌ها را به راهکاری پرهزینه‌تر کشانده است. عربستان با صرف هزینه بالا بخشی از ناوگان جنگنده‌های اف-۱۵ خود را رتقا داده است تا بتوانند در عملیات شکار پهپادها شرکت کنند. این جنگنده‌ها در سامانه‌های راداری، اپتیکی، سامانه‌های شناسایی و کابین ارتقاتاکتی چندین میلیون دلاری روی دست ریاض گذاشته‌اند. اینها اما تمام هزینه‌های به‌کارگیری جنگنده‌های اف-۱۵ برای مقابله با پهپاد نیست، زیرا خلبانان نیز نیازمند آموزش‌های پرهزینه‌ای هستند. همچنین این جنگنده‌ها برای آنکه بتوانند با پهپادها مقابله کنند باید همیشه تعدادی از آنها در آسمان درحال پرواز باشند. به‌عنوان مثال در مرزهای گسترده یمن و عربستان، نیروی هوایی عربستان چندین مسیر را که احتمال می‌دهد پهپادها از آن عبور می‌کنند، شناسایی و آن را منطقه‌بندی می‌کند تا در هر منطقه چند جنگنده را روی آسمان به خراست می‌گمارد. درنظر بگیرید اگر نیروی هوایی عربستان سعودی ۶ منطقه را تعیین کند و در هر لحظه در هر منطقه دو جنگنده درحال پرواز باشد با توجه به هزینه ۲۰ هزار دلاری هرساعت پرواز جنگنده اف-۱۵ این مساله ساعتی ۲۴۰ هزار دلار هزینه روی دست سعودی‌ها می‌گذارد. این هزینه در روز بالغ بر پنج‌میلیون و ۷۶۰ هزار دلار و در سال چیزی معادل دومیلیارد و ۱۰۰ میلیون دلار می‌شود. این هزینه به‌جز مبالغی است که باید برای استهلاک جنگنده‌ها به‌جهت بالارفتن ساعت پرواز و همچنین بالارفتن دستمزد خلبان و خدمه تعمیراتی پرداخت شود. برخی خلبانان ارتش عربستان از ارتش کشورهای دیگر به‌خدمت گرفته شده‌اند و جنگنده‌های این کشور نیز توسط شرکت‌های نگهداری آمریکایی تعمیر می‌شوند. این هزینه‌ها نیز سرمایه‌فلک می‌گذارند. پایان ماجرا اما اینجاست که چنین هزینه‌هایی نیز نمی‌تواند به‌شکلی کارآمد جلوی سیل پهپادهای شلیک‌شده به‌سمت خاک سعودی را بگیرند. سعودی‌ها تنها به‌خاطر پهپادهای ارتش یمن میلیاردها دلار هزینه متحمل شده‌اند و بازهم پدافندی برای چندلایه‌سازی دفاع هوایی خود نیازمندند. با این حال ناکارآمدی سامانه‌های پدافندی مستقر روی زمین سعودی‌ها را به راهکاری پرهزینه‌تر کشانده است. عربستان با صرف هزینه بالا بخشی از ناوگان جنگنده‌های اف-۱۵ خود را رتقا داده است تا بتوانند در عملیات شکار پهپادها شرکت کنند. این جنگنده‌ها در سامانه‌های راداری، اپتیکی، سامانه‌های شناسایی و کابین ارتقاتاکتی چندین میلیون دلاری روی دست ریاض گذاشته‌اند. اینها اما تمام هزینه‌های به‌کارگیری جنگنده‌های اف-۱۵ برای مقابله با پهپاد نیست، زیرا خلبانان نیز نیازمند آموزش‌های پرهزینه‌ای هستند. همچنین این جنگنده‌ها برای آنکه بتوانند با پهپادها مقابله کنند باید همیشه تعدادی از آنها در آسمان درحال پرواز باشند. به‌عنوان مثال در مرزهای گسترده یمن و عربستان، نیروی هوایی عربستان چندین مسیر را که احتمال می‌دهد پهپادها از آن عبور می‌کنند، شناسایی و آن را منطقه‌بندی می‌کند تا در هر منطقه چند جنگنده را روی آسمان به خراست می‌گمارد. درنظر بگیرید اگر نیروی هوایی عربستان سعودی ۶ منطقه را تعیین کند و در هر لحظه در هر منطقه دو جنگنده درحال پرواز باشد با توجه به هزینه ۲۰ هزار دلاری هرساعت پرواز جنگنده اف-۱۵ این مساله ساعتی ۲۴۰ هزار دلار هزینه روی دست سعودی‌ها می‌گذارد. این هزینه در روز بالغ بر پنج‌میلیون و ۷۶۰ هزار دلار و در سال چیزی معادل دومیلیارد و ۱۰۰ میلیون دلار می‌شود. این هزینه به‌جز مبالغی است که باید برای استهلاک جنگنده‌ها به‌جهت بالارفتن ساعت پرواز و همچنین بالارفتن دستمزد خلبان و خدمه تعمیراتی پرداخت شود. برخی خلبانان ارتش عربستان از ارتش کشورهای دیگر به‌خدمت گرفته شده‌اند و جنگنده‌های این کشور نیز توسط شرکت‌های نگهداری آمریکایی تعمیر می‌شوند. این هزینه‌ها نیز سرمایه‌فلک می‌گذارند. پایان ماجرا اما اینجاست که چنین هزینه‌هایی نیز نمی‌تواند به‌شکلی کارآمد جلوی سیل پهپادهای شلیک‌شده به‌سمت خاک سعودی را بگیرند. سعودی‌ها تنها به‌خاطر پهپادهای ارتش یمن میلیاردها دلار هزینه متحمل شده‌اند و بازهم پدافندی برای چندلایه‌سازی دفاع هوایی خود نیازمندند. با این حال ناکارآمدی سامانه‌های پدافندی مستقر روی زمین سعودی‌ها را به راهکاری پرهزینه‌تر کشانده است. عربستان با صرف هزینه بالا بخشی از ناوگان جنگنده‌های اف-۱۵ خود را رتقا داده است تا بتوانند در عملیات شکار پهپادها شرکت کنند. این جنگنده‌ها در سامانه‌های راداری، اپتیکی، سام